

آندره میشل / محمد جعفر پوینده

بیکار با تبعیض جنسی

بازسازی کتاب ، خانه ، مدرسه
و جامعه از کلیشه‌های تبعیض جنسی

www.KetabFarsi.com

آندره ميشل

پیکار با تبعیض جنسی

پاکسازی کتاب، خانه، مدرسه و جامعه

از کلیشه‌های تبعیض جنسی

ترجمه محمد جعفر پوینده

مؤسسه انتشارات نگاه

تهران - ۱۳۷۶

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Andrée Michel

Non aux stéréotypes. Vaincre le sexisme dans les livres pour
enfants et les manuels scolaires

Unesco, France, 1989



مؤسسه انتشارات نگاه: خیابان ۱۲ فروردین، شماره ۲۱، تلفن ۶۴۶۶۹۴۰

آندره میشل

بیکار با تبعیض جنسی

ترجمه محمدجعفر پوینده

چاپ اول: ۱۳۷۶

چاپخانه: اتاق چاپ

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

ISBN: 964 - 6174 - 38 - 8

شابک: ۹۶۴ - ۶۱۷۴ - ۳۸ - ۸

تقدیم به نازنین پوینده و تمام دیگر هنرجویان
هنرستان موسیقی دختران که با خوش
درخشیدن در عرصه والای هنر، گوشه‌ای از
توانایی‌های پایان‌ناپذیر دختران دیار ما را، چه
زیبا و گیرا به تصویر می‌کشند.

پوینده، پاییز ۱۳۷۳

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

فهرست مطالب

۱۱	درباره نویسنده
۱۲	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
بخش اول: کلیشه‌های تبعیض جنسی در جامعه و مدرسه	
۲۳	۱. کلیشه‌های تبعیض جنسی در جامعه و کتاب‌های کودکان تعریف
۲۶	محتوای کلیشه‌ها
۲۸	کلیشه‌هایی که آشکارا بیان می‌شوند و کلیشه‌هایی که پنهان می‌مانند
۳۱	نقش کلیشه‌های تبعیض جنسی
۳۳	شیوه‌های رسوخ و نیروی اقناعی کلیشه‌های تبعیض جنسی
۳۴	خانواده
۳۶	مدرسه
۳۶	جمع‌های بچه‌های همسن و همجنس
۳۷	بازار کار
۳۷	دنیای سیاست، رسانه‌های گروهی
۳۸	کتاب‌های کودکان و نوجوانان
۴۶	تأثیرات کلیشه‌های تبعیض جنسی

۵۱	۲. کلیشه‌های تبعیض جنسی در مدرسه و کتاب‌های درسی
	شکل‌های گوناگون تبعیض جنسی در مدرسه
۵۲	تبعیض جنسی در تشکیلات نظام آموزشی
۵۴	تبعیض جنسی در روابط معلمان و شاگردان
۵۶	تبعیض جنسی در روابط میان شاگردان و در بازی‌ها
۷۵	تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی: کلیشه‌های تبعیض آمیز
۶۹	تبعیض جنسی در مدرسه چه تأثیراتی در کودکان دارد؟
۷۷	تصویرهایی از کلیشه‌های تبعیض آمیز و تبعیض‌ستیز
۹۲	منبع تصویرها
	بخش دوم: پاکسازی کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان از تبعیض جنسی
۹۵	مقدمه
۹۸	۳. شناسایی تبعیض جنسی در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی
۱۰۱	راهنمای تحلیل تبعیض جنسی
۱۰۱	تحلیل کمی
۱۰۲	تحلیل کیفی
۱۰۴	تحلیل تبعیض جنسی در ارجاعات اجتماعی اشخاص مذکر و مؤنث، در متن‌ها و نیز در تصویرها
۱۰۴	احوال مدنی
۱۹۵	وضعیت خانوادگی
۱۰۶	سطح اشتغال
۱۰۶	شغل
۱۰۷	تحلیل تبعیض جنسی در فعالیت‌های اشخاص مذکر و مؤنث
۱۰۸	فعالیت‌های خانگی
۱۰۸	فعالیت‌های تربیتی با کودکان
۱۰۹	فعالیت‌های حرفه‌ای

۱۱۰	فعالیت‌های سیاسی یا اجتماعی
۱۱۰	فعالیت‌های اوقات فراغت
۱۱۱	فعالیت‌های هنری
۱۱۱	بازی‌ها
۱۱۲	فعالیت‌های اکتشافی و ماجراجویانه
۱۱۲	ورزش
۱۱۳	تحلیل تبعیض جنسی در رفتارهای اجتماعی - عاطفی اشخاص مذکر و مؤنث
۱۱۳	عواطف مثبت یا منفی
۱۱۳	مقاومت در برابر فشار اجتماعی
۱۱۴	ضعف و قدرت شخصیت
۱۱۵	تحلیل تبعیض جنسی در زبان
۱۱۵	تبعیض جنسی در واژگان
۱۱۷	تبعیض جنسی در دستور زبان
۱۱۷	اشاره‌ها و کنایه‌ها
۱۱۹	طرح یک راهنمای ساده برای شناسایی تبعیض جنسی
۱۲۵	طرح یک راهنمای ساده برای شناسایی تبعیض جنسی در فعالیت‌های حرفه‌ای
۱۲۷	تبعیض جنسی پنهان در اجتماعات اجتماعی و در فعالیت‌های اشخاص مذکر و مؤنث
۱۲۹	۴. انتشار کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی تبعیض ستیز
۱۳۰	راهنمای مختصر برای آفرینش آثار تبعیض ستیز
۱۳۰	تقسیم عادلانه اشخاص مذکر و مؤنث
۱۳۰	تقسیم عادلانه نقش‌های متفاوت زنان و مردان
۱۳۰	در خانواده
۱۳۲	در زندگی درسی
۱۳۲	در زندگی شغلی
۱۳۴	در نقش‌های اجتماعی و سیاسی

- ۱۳۶ تقسیم عادلانه خصوصیات مثبت و منفی میان هردو جنس
- ۱۳۶ جنبه جسمانی و پوشاکی
- ۱۳۷ امتیازها و کمبودهای فکری
- ۱۳۷ امتیازها و کمبودهای عاطفی
- ۱۳۷ امتیازها و کمبودهای ارادی
- ۱۳۸ پرهیز از تبعیض جنسی در واژگان و دستور زبان
- ۱۳۸ - در واژگان
- ۱۳۹ - در دستور زبان و نحو
- ۱۴۱ ۵. اقدامات ضروری برای پاکسازی نظام آموزشی از تبعیض جنسی
- ۱۴۲ اقدامات لازم در وزارت خانه‌ها یا اداره‌های آموزش و پرورش و فرهنگ
- ۱۴۵ اقدامات لازم در میان کارکنان اداری و غیرآموزشی مدارس
- ۱۴۸ اقدامات لازم در میان کارکنان آموزشی و آموزگاران
- ۱۵۸ اقدامات لازم در میان مربیان و مشاوران تربیتی
- ۱۶۴ اقدامات لازم در میان شاگردان
- ۱۶۷ نتیجه‌گیری
- ۱۷۰ ۶. اقدامات ضروری در بیرون از نظام آموزشی برای زدودن تبعیض جنسی
- ۱۷۰ اقدامات لازم در میان ناشران و نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان
- ۱۷۹ اهمیت پژوهش‌ها
- ۱۸۰ اقدامات لازم در میان شهرداری‌ها و اولیای شاگردان
- ۱۸۵ اقدامات لازم در رسانه‌های گروهی، افکار عمومی، انجمن‌ها
- ۱۸۸ اقدامات لازم در میان کارفرمایان
- ۱۹۰ ارزیابی تأثیر اقدامات بر ضد تبعیض جنسی در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی
- ۱۹۶ نتیجه‌گیری

- پیوست ۱
- ۲۰۱ مجموعه بررسی‌های ملی دربارهٔ سیمای زنان و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان
- ۲۱۰ گزینش‌های پژوهشی ممکن
- پیوست ۲
- ۲۱۵ راهنمای انتشارات مک‌گرو - هیل برای برخورد برابر به دو جنس در کتاب‌های درسی
- پیوست ۳
- ۲۲۳ رهنمودهای انتشارات فرنان ناتان برای نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان
- ۲۲۷ ارجاعات کتاب‌شناختی
- ۲۳۳ کتاب‌های برگزیده

www.KetabFarsi.com

درباره نویسنده

خانم آندره میشل در سال ۱۹۵۹ از «دانشگاه پاریس» دکترای جامعه‌شناسی گرفت و اکنون در «مرکز ملی پژوهش‌های علمی» (CNRS) در فرانسه مدیریت گروه پژوهشی نقش‌های جنس‌ها و خانواده و توسعه انسانی را برعهده دارد. او مقاله‌های بسیاری در مجله‌های فرانسوی و بین‌المللی به چاپ رسانده و چندین اثر نیز به قلم یا زیر نظر او نگاشته شده است.^۱

۱. این کتاب‌ها به ترتیب تاریخ انتشار عبارتند از:

1. *La condition de la Française d'aujourd'hui*, Genève, Gonthier, 1964. (Coll. "Femme, 2".)
 2. *Activité Professionnelle de la femme et vie conjugale*, Paris, CNRS, 1974.
 3. *Tavail féminin: un point de vue*, Paris, Documentation française, 1975. (Coll. "Travaux et recherches de perspective, 54".)
 4. *Femmes, sexisme et sociétés*, Paris. Presses Universitaires de France, 1977. (Coll. "Sociologie d'aujourd'hui".)
- این کتاب به زبان‌های اسپانیایی و ایتالیایی ترجمه شده است.
5. *Les femmes dans la société marchande*, Paris, Presses Universitaires de France, 1977, (Coll. "Sociologie d'aujourd'hui".)
- این کتاب به زبان اسپانیایی ترجمه شده است.
6. *Le féminisme*, Paris, Presses Universitaires de France, (Coll. "Que sais-je?".)

آندره میشل که عضو چندین انجمن علمی جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی است، در گردهمایی‌ها و مجامع ملی و بین‌المللی متعددی دربارهٔ برابری امکانات دختران و زنان در تمام عرصه‌ها، به ویژه در زمینهٔ آموزش و پرورش و کار و شغل شرکت ورزیده است. تاکنون دو کتاب از این پژوهشگر فرزانه و آزادیخواه به فارسی منتشر شده است.

۱. جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمهٔ فرنگیس اردلان،

انتشارات دانشکدهٔ علوم اجتماعی و تعاون، تهران ۱۳۵۴.

۲. جنبش اجتماعی زنان، ترجمهٔ هما زنجانی‌زاده، نشر نیکا، مشهد،

۱۳۷۲.

پیشگفتار

پذیرش برابری زن و مرد به عنوان یک حق انسانی و این اندیشه که برابری زن و مرد باید در عمل تأمین شود، طی سالیان اخیر پیشرفت بسیار کرده است. امروزه درستی این تحول را هیچ کس انکار نمی کند و بسیاری از مسئولان کشورها برای عملی کردن آن تلاش می ورزند.

یونسکو همانند چندین نهاد دیگر سازمان ملل متحد برای افشای هرچه بیشتر تأثیر منفی پیشداوری های تبعیض جنسی در جامعه و مدرسه که به برابری و احترام متقابل زن و مرد آسیب می رسانند، نقشی مهم در این تحول ایفا کرده است.

بر این کسب آگاهی در فرصت های متعددی، به ویژه در «کنفرانس جهانی دهه ملل متحد برای زن» تأکید شده است. در این کنفرانس اعلام شد که آموزش و پرورش باید «با کنار گذاشتن تصویرهای کلیشه ایستی از نقش های مرد و زن و با کمک به آفرینش تصویرهای جدید و مثبت تر از شرکت زنان در زندگی خانوادگی، شغلی، اجتماعی، عمومی به دگرگونی اندیشه ها و برخوردها یاری رساند»¹. علاوه بر این از

1. *Rapport de la Conférence de la Décennie des Nations Unies pour la femme: égalité, développement et paix. Copenhague, 14-30 Juillet 1980, P. 41. New York, Organisation des Nation Unies, 1980. (A / CONF. 94/ 35.)*

«حکومت‌ها» خواسته شد که «تمام تدبیرهای ضروری را برای محو کلیشه‌های تبعیض جنسی در تمام سطوح آموزش و پرورش در پیش گیرند»^۱

یونسکو با هدف دوگانه پشتیبانی از تلاش‌های جاری در پیکار با پیشداوری‌های تبعیض جنسی و تشویق ابتکارها در این عرصه، از سال ۱۹۸۱ برنامه وسیعی را برای جلب توجه افکار عمومی به مسئله تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان و نیز برای برانگیختن و تشویق تلاش در این راه و پشتیبانی از چنین تلاش‌هایی اعلام کرد. این کتاب خانم آندره میشل، مدیر پژوهش در «مرکز ملی پژوهش‌های علمی» در فرانسه نیز در چارچوب همین برنامه منتشر شده است. این کتاب حاصل پژوهشی شخصی است، ولی از آن جا که نتیجه گیری‌هایش بر تحلیل‌های چندین بررسی استوار است که به تقاضای یونسکو در مناطق مختلف جهان صورت گرفته‌اند، بُعدی بین‌المللی پیدا می‌کند (رجوع شود به ارجاعات کتاب شناختی).

این بررسی‌های ملی در هفت کشور (چین، فرانسه، کویت، نروژ، پرو، اوکراین، زامبیا) درباره تصویر زنان و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان انجام شده است. هدف این بررسی‌ها آن بوده است که درک بهتر مسئله تبعیض جنسی و پیشبرد اقدامات مناسب برای حل آن را برای مقامات این کشورها میسر سازد. از سوی دیگر سه کتاب راهنمای منطقه‌ای که کارشناسان دنیای عرب، آسیا، اقیانوسیه، آمریکای شمالی، اروپای غربی تدوین کرده‌اند، بررسی‌های فوق را تکمیل می‌سازند.

این اثر که یونسکو امیدوار است در عمل به شناسایی و زدودن

پیشداوری‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی یاری رساند، در درجه اول مسئولان تهیه، نگارش، تصویرگری، و انتشار کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان را خطاب قرار می‌دهد، زیرا که این افراد از قدرت تأثیرگذاری بر اذهان برخوردارند و در نتیجه می‌توانند آن‌ها را در جهت برابری و احترام همگانی هدایت کنند. همچنین برای خوانندگانی وسیع‌تر، از میان مردان و زنانی که در تمام کشورها گرفتار این مسئله هستند، گیرا خواهد بود.

آندره میشل که شایسته سپاسگزاری‌های فراوان یونسکو است، مسئولیت‌گزینش و معرفی موارد بررسی شده و نیز آرای ابراز شده در این کتاب را برعهده دارد، آرای که الزاماً بیان‌کننده دیدگاه‌های یونسکو نیستند. مسئولیت واژگان جدیدی که در این کتاب به کار رفته نیز برعهده نویسنده آن است.

www.KetabFarsi.com

مقدمه

تبعیض جنسی، یعنی اعمال و رفتار، پیشداوری‌ها و ایدئولوژی‌هایی که زنان را فرودست‌تر و کم‌ارزش‌تر از مردان و مردان را مسلط بر زنان می‌دانند، هنوز نیز در ردیف بدترین مصیبت‌هایی هستند که مایهٔ درد و رنج و محرومیت بشر می‌شوند، زیرا که از یک سو، زنان از این وضعیت عذاب می‌کشند و از سوی دیگر تمام جوامع ذخیره‌ای عظیم از توانایی‌های فکری و انسانی را که نادیده گرفته شده یا تحقیر گشته‌اند، از دست می‌دهند. تحت تأثیر جنبش‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان است که مفهوم «تبعیض جنسی» رواج یافته است. این مفهوم اشاره دارد به اعمال و افکار تبعیض آمیز نسبت به زنان و نیز به این که این اعمال و افکار همان اندازه نادرست و محکوم شدنی‌اند که اعمال و افکار تبعیض آمیز قومی، دینی یا سیاسی. تا چندی پیش هرگونه تبعیض نسبت به جنس زن، حاصل یک نظام طبیعی محسوب می‌شد که وظایف و نقش‌های متفاوتی را بر عهدهٔ زنان و مردان می‌گذارد. چنین عقیده‌ای هنوز در بسیاری از نقاط جهان حاکم است. اما در پی ابداع عبارت «تبعیض جنسی» برای رسوا کردن همه انواع این تبعیض‌ها، پیشرفت اجتماعی بزرگی حاصل شده است. رواج این عبارت نشان‌دهندهٔ آن است که تفاوت‌های تحقیرکنندهٔ جنس زن نه ناشی از ارادهٔ خداوند است، نه حاصل یک نظم طبیعی، نه

مبتنی بر زیست‌شناسی، بلکه نتیجه رفتار اجتماعی نادرست و ناعادلانه با زنان است و چنین رفتاری از این پس باید کنار گذاشته شود و موقعیت عادلانه و شایسته زنان جایگزین آن گردد، موقعیتی که در آن جایگاه زن، همتای مردان در تمام عرصه‌های جامعه (خانواده، کار، زندگی اجتماعی، سیاسی، هنری، دستیابی به علم و فنون و ورزش و مانند آن‌ها) باشد.

مثل همیشه طرفداران حقوق و آزادی زنان «فمینیست‌ها» بودند که نخستین گام‌ها را برای افشای انواع تبعیض نسبت به زنان، برداشتند. و از آن‌جا که در بیشتر کشورها، اکثر آموزگاران و در مواردی دیران نیز زن هستند و به دلیل آن‌که آنان در مقام معلم، بسیار بیشتر از مردان با کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان سروکار دارند و آن‌ها را می‌خرند و در امور درسی کودکان نیز نقشی فعال‌تر دارند، جای شگفتی نیست که خود آنان نخستین کسانی باشند که به وجود تبعیض جنسی در پیشداوری‌ها و افکار قالبی مسلط بر متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان پی ببرند و در کشورهای مختلف، به ویژه در کشورهای اسکانديناوی، انگلستان، فرانسه و آمریکا درباره تعریف این نوع تبعیض جنسی به پژوهش پردازند و برای افشای آن پیکار کنند.

بدین ترتیب پیکار با تبعیض جنسی، موضوع کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی شد که توجه حکومت‌ها و مسئولان آموزش و پرورش یعنی معلمان، اولیا، نویسندگان و ناشران را برانگیختند. اما درست نبود که این اقدام‌ها در چارچوب جغرافیایی تنگی محدود بمانند. یونسکو رسالت جهانی خود را در دفاع از برابری امکانات دختران جوان و زنان در عرصه آموزش و پرورش به خوبی انجام داد و برای این کار به مجموعه‌ای از

بررسی‌ها در تمام قاره‌ها دست زد تا وضعیت پیشداوری‌های موجود در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان را روشن کند. این بررسی‌های ملی که به تقاضای یونسکو صورت پذیرفتند، مصالحتی بسیار پر بار و ارزشمند برای تعریف تبعیض جنسی در تصویرها و متن‌های کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان در قاره‌های مختلف، فراهم آوردند و نیز دربارهٔ راه‌های شناخت تبعیض جنسی و تهیه کتاب‌هایی برای کودکان که در آن‌ها از تبعیض جنسی نشانی نباشد، رهنمودهای ارزنده‌ای ارائه کردند. در این هنگام بود که در مرحلهٔ دوم، یونسکو ابتکار نگارش اثری را عهده‌دار شد که راهنمایی برای شناخت تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان و توصیه‌هایی برای رفع آن‌ها عرضه می‌دارد. من که برای نگارش این کتاب دعوت شده بودم، نه فقط از ذخیرهٔ آگاهی‌های موجود در بررسی‌هایی که پیشتر به تقاضای یونسکو انجام شده بود، غافل نماندم، بلکه متوجه شدم که برای این که هر کشوری در راه کاهش و حذف تبعیض جنسی در کلیهٔ کتاب‌های کودکان - اعم از درسی یا غیردرسی - تلاش ورزد، پیام به حکومت‌ها و مسئولان متفاوت آموزش و پرورش هنگامی با تأثیر و پذیرش بیشتر روبه‌رو می‌شود که بتوانم نه فقط حاصل پژوهش‌ها و توصیه‌های نمایندگان کشورهای غربی، بلکه نتایج کشورهای سوسیالیست و کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را نیز عرضه کنم. جهانی بودن تبعیض جنسی، یعنی موقعیت فرودست زنان که به ویژه با پیشداوری‌ها و کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی محافظت می‌شود، مقابله‌ای جهانی را طلب می‌کند: به همین سبب ضروری است که ملاحظات و پیشنهادها ی کسانی که از آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و شوروی [سابق] در بررسی‌های یونسکو شرکت

کرده‌اند، در نظر گرفته شود.

در واقع به هیچ وجه پذیرفتنی نیست که گنجینه پربار این اسناد و مطالب در بررسی‌های ملی و محلی بدون استفاده بماند. به همین سبب است که در هر فصل خواننده از قاره‌ای به یک قاره دیگر، از کشوری به کشور دیگر سفر می‌کند. از چین به پرو، با گذر از اوکراین، لبنان، کویت، زامبیا، نروژ، فرانسه، کانادا و ایالات متحده آمریکا. بدین ترتیب هر یک از این کشورها، در تدوین این کتاب نقشی غیرمستقیم اما مؤثر داشته است.

نکته شایان توجه آن که در کتاب حاضر برای رعایت توصیه‌هایی که برای نگارش کتاب‌های درسی و غیردرسی مخالف تبعیض جنسی داده شده است، از فرهنگ واژگان زبان فرانسه در مواردی فاصله گرفته‌ایم و برخی از نام‌هایی را که هنوز در این فرهنگ وجه مؤنث ندارند، به صورت مؤنث به کار برده‌ایم (مانند *auteur*، مؤنث *auteure*، *Professeure*، مؤنث *Professeur*، *ingénieure*، مؤنث *ingénieur*، *écrivaine*، مؤنث *écrivain*). این نوآوری‌ها، دستاوردهایی هستند که هم‌اکنون در برخی از کشورهای فرانسه زبان، مانند کانادا، پذیرفته و رایج شده‌اند. این حرکت بی‌آن که اهمیتی بیش از حد به قوانین دستوری فرسوده بدهد، به پیش می‌رود. موضوع برابری جنسی آن قدر اهمیت دارد که سرپیچی‌هایی را از قوانین دستوری موجه سازد، قوانینی که در اکثر زبان‌ها جنس مذکر را برتر از جنس مؤنث («جنس دوم») می‌دانند. تغییر پیشنهادی و موردنظر ما آن است که دیگر در زبان یا در محتوای متون و تصویرهای کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان نباید به زنان به عنوان («جنس دوم») برخورد بشود.

... نکته دیگر آن که جهانگیر بودن مسئله پيشداوری‌ها و سنت‌های تبعیض آمیز جنسی نباید دشواری و تنوع شیوه‌های برخورد به این موضوع بر مبنای هر وضعیت اجتماعی - فرهنگی خاص را از نظر دور بدارد. به همین سبب نهادهای عمومی، آموزگاران و به‌طور کلی همه افراد دست‌اندرکار در آموزش و پرورش و نگارش و انتشار کتب در هر کشور و وظیفه دارند که مناسب‌ترین اقدامات لازم را برای از بین بردن افکار و تصاویر تبعیض آمیز در مورد دختران و زنان و نیز پسران و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان برگزینند و تصاویر و مطالب مثبت‌تری را رواج دهند که برای دختران و زنان نیز جایگاهی شایسته قائلند.

این مطالب و تصویرهای جدید ممکن است در گسترش برخوردهای برابره و احترام متقابل میان زنان و مردان نقشی مؤثر ایفا کنند و هم به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی یاری برسانند و هم به سعادت افراد.

www.KetabFarsi.com

بخش اول

کلیشه‌های تبعیض جنسی در جامعه و مدرسه

۱. کلیشه‌های تبعیض جنسی در جامعه و کتاب‌های کودکان

تعریف:

دو مفهوم تبعیض نژادی و تبعیض جنسی مشابهت‌های بسیار دارند: تبعیض نژادی نشاندهنده تصویرها، نگرش‌ها، رفتارها و کلیشه‌های تبعیض آمیز نسبت به یک قوم است و تبعیض جنسی، شکل‌های متعدد نابرابری براساس جنسیت را دربر می‌گیرد. اگر شیوه‌های تفکر و رفتار فردی کمابیش آگاهانه به تبعیض جنسی آغشته باشد او را طرفدار تبعیض جنسی می‌نامند. به بیان روشن‌تر «تبعیض جنسی عبارت است از برخورد یا عملی که براساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوارشمردن و

کلیشه‌بندی آنان می‌پردازد» [1: 15].^۱ و به یک مفهوم باز هم وسیع‌تر «تبعیض جنسی گرایش است که برای تکریم یک جنس به تحقیر جنس دیگر می‌پردازد» [2: 3].

پیشداوری، یعنی باور و عقیده‌ای پیش ساخته که تحمیلی محیط، زمانه و آموزش و پرورش است و به مفهوم کلیشه بسیار نزدیک است: کلیشه چیزی است که بی‌هیچ تغییری تکرار و باز تولید می‌شود، با الگویی ثابت و عام انطباق دارد و از تشخیص خصوصیات فردی عاجز است: تصویر ذهنی یکنواخت و قالب‌بندی شده‌ای که برای اعضای یک گروه مشترک است و عقیده‌ای به غایت ساده شده، رفتاری عاطفی و یادآوری بی‌آزمون و بررسی را نشان می‌دهد [3]. کلیشه اعم از این که طرفدار تبعیض نژادی یا تبعیض جنسی باشد ممکن است در قالب داوری، احساس یا تصویر بیان شود. کلیشه‌های تبعیض نژادی به یک قوم خاص مربوط می‌شوند و کلیشه‌های تبعیض جنسی به جنس مخالف. تعریف کلیشه از نظر و. شستاکوف عبارت است از: گرایش به یکنواختی و یکسان‌سازی، یعنی حذف خصوصیات فردی و تفاوت‌ها و نبود کامل روحیه انتقادی در مباحثه و ابراز عقیده [3].

کلیشه از آن جا که با تعمیم نابه جا و ساده‌انگاری افراطی همراه است، پدیده‌ای منفی به حساب می‌آید که تحریف واقعیت را در پی دارد. نادرستی کلیشه نیز در آن است که بی‌هیچ مبنای علمی و با استناد به یک تفاوت کاذب «طبیعی» خصوصیات را به یک قوم نسبت می‌دهد. البته

۱. از این پس تا پایان کتاب، منبع نقل قول‌هایی که در گیومه آمده، با دو عدد در کمرش مشخص شده است. عدد سمت چپ به شماره کتاب در ارجاعات کتاب شناختی (صفحه ۲۲۷) برمی‌گردد و عدد سمت راست که پس از دو نقطه آمده است به صفحه آن کتاب مربوط می‌شود.

تفاوت‌های زیست‌شناختی، هم بین اقوام وجود دارد (مانند تفاوت در رنگ و پوست) و هم بین جنس‌ها (مثل تفاوت در جنسیت) اما این تفاوت‌ها به هیچ‌وجه توجیه‌کننده داوریه‌های بی‌پایه‌ای از این قبیل نیست که گویا یک قوم یا جنس خاص هوش بیشتری دارد.

لیز دونیگان کلیشه را چنین تعریف می‌کند: «الگوی خشکی که واضح مشخصی ندارد و براساس آن، تصاویر و مفاهیم یا رفتارها به طور خود به خود تکرار می‌شوند» [2:3]. بر مبنای این تعریف به روشنی درمی‌یابیم که یک مفهوم واحد برای توصیف یک تصویر یا نگرش یا رفتار، نه فقط به اسم و صفت تبدیل می‌شود، بلکه به صورت فعل نیز درمی‌آید، فعلی که به خود عمل آفرینش کلیشه‌ها اشاره دارد. به عنوان مثال در کنار اسم کلیشه «stéréotype» در زبان فرانسه فعل کلیشه‌سازی «stéréotyper» ساخته شده است. این امر نشان می‌دهد که کلیشه‌ها اعم از نژادپرستانه یا جنس‌پرستانه فطری نیستند، بلکه آفریده‌ای اجتماعی‌اند.

در مورد تصاویر، کلیشه‌های تبعیض جنسی به خوار شمردن زنان و دختر بچه‌ها و به بزرگداشتن مردها و پسر بچه‌ها می‌پردازند. افزون بر این در هر یک از دو گروه اشخاص مؤنث و مذکر همشکلی خاصی یافته می‌شود و سدی میان این دو گروه وجود دارد که باعث می‌شود یکی از آن‌ها ویژگی‌های دیگری را نادیده گیرد یا تحقیر کند. به عبارت دیگر، اشخاص مذکر و مؤنث چنان کلیشه‌بندی شده‌اند که ارزشیافتگی گروه نخست از ارزشباختگی گروه دوم جدایی‌ناپذیر است.

اخلاق، رفتار و برخوردهای دوگانه، تبعیض آمیز و قالبی نسبت به مردان و زنان و خوار شمردن زنان به سود مردان در تمام جوامع معاصر دیده می‌شود. نمونه برجسته این امر نویسنده بزرگی است که در پی عمل

جراحی برای تغییر جنسیت مشاهده کرد که برخورد دیگران با او دچار تغییری بنیادی شده است: «می‌گویند که فاصله اجتماعی میان دو جنس کاهش می‌یابد، اما من که در نیمه دوم قرن بیستم، دو نقش مختلف را تجربه کرده‌ام، می‌توانم گواهی بدهم که آشکارا هیچ جنبه‌ای از زندگی، هیچ لحظه‌ای از روز، هیچ برخورد، هیچ توافق و هیچ واکنشی وجود ندارد که برای مردان و زنان متفاوت نباشد... همه چیز و همه کس با سرسختی تمام تغییر موقعیت مرا یادآوری می‌کردند... هر اندازه با من بیشتر مثل زن رفتار می‌شد، خود را بیشتر زن احساس می‌کردم و خواه ناخواه با نقش جدیدم کنار می‌آمدم. اگر دیگران فرض می‌کردند که من نمی‌توانم به رانندگی پردازم یا در بطری را باز کنم، احساس می‌کردم که به نحو غریبی بی‌دست و پا شده‌ام... [4].»

به عبارت دیگر تمام کلیشه‌ها، حتی آن‌هایی که بی‌زیان به نظر می‌رسند، بر مخاطبانشان تأثیری مهم دارند.

محتوای کلیشه‌ها

در بالا دیدیم که کلیشه‌ها دربرگیرنده تصاویر، نگرش‌ها، احساس‌ها یا اعمال هستند. در این جا به محتوای آن‌ها می‌پردازیم. کلیشه‌ها ممکن است به جنبه جسمانی یک گروه انسانی (زنان یا مردان) یا به خصوصیات فکری، عاطفی و یا به جنبه‌ای از موقعیت اجتماعی یک گروه انسانی مربوط شوند.

این نظر که «مردان پرخاشگرند» نیز داوری ناشی از تبعیض جنسی است، زیرا که پرخاشگری را به ویژگی فطری مردان تبدیل می‌کند و نقش تربیت را در زندگی پسرها و دخترها نادیده می‌گیرد، همان تربیتی که

پسرها را به پرخاشگری نسبت به دیگران تشویق می‌کند و دخترها را به خودداری از پرخاشگری یا به هدایت آن بر ضد خودشان می‌کشاند. گفتارها یا تصویرهایی که در آن‌ها زنان چنان نمودار می‌شوند که گویی فقط کدبانو و مادرانی هستند که صرفاً با شوهر یا فرزندانشان رابطه دارند نیز گفتارها و تصویرهای تبعیض‌آمیز هستند، زیرا که به واقعیات زیر توجهی ندارند:

تمام زنان فقط همسر و مادر نیستند، بلکه زنان تنهایی نیز هستند (زنان مجرد، بیوه، طلاق‌گرفته، جدا شده و جز آن) که از انسانیت هیچ‌کم ندارند.

زندگی تمام زنان به رابطه متقابل با شوهر و فرزندان خلاصه نمی‌شود. در سرتاسر جهان بسیاری از زنان در کنار این روابط، نوعی زندگی اجتماعی نیز دارند (مانند روابط با همسایگان در محله یا با همکاران در کارخانه یا اداره).

داوری‌هایی که مرد را چنان معرفی می‌کند که گویی در برابر زن و فرزندان همیشه نقش رئیس و برتر را دارد کلیشه‌ای است مبتنی بر تبعیض جنسی، زیرا که در بسیاری از خانواده‌ها زن و شوهر به طور مشترک به تصمیم‌گیری درباره زندگی خانوادگی، فرزندان و زندگی شغلی خود می‌پردازند. این نظر هم که مردان نه می‌توانند از فرزندان مراقبت کنند و نه به آنان محبت ورزند داوری مبتنی بر تبعیض جنسی است، زیرا که مردان نیز قادرند روابط محبت‌آمیزی با فرزندانشان داشته باشند و از آنان مراقبت کنند.

ذهن انسان با کلیشه‌سازی به عملی دوگانه دست می‌زند: از یک‌سو خصوصیات و توانایی‌هایی را به زنان نسبت می‌دهد که در مردان از آن‌ها

نشانی نیست و از سوی دیگر مردان را از ویژگی‌ها و توانایی‌هایی بهره‌مند می‌سازد که زنان از آن‌ها محرومند. نیازی به توضیح نیست که در این تقسیم‌بندی‌های تبعیض‌آمیز میان دو جنس، دو کفه ترازو یکسان نیست: مردان بسیار بیش از زنان از ارزش‌های مثبت (شجاعت، هوش، اعتماد به نفس، شایستگی شغلی، خطرپذیری، ماجراجویی، روحیه ابتکار و کارآیی) بهره‌مندند و زنان به ویژه به صورت افرادی بی‌بهره از این صفات به اصطلاح «مردانه» و برخوردار از صفات معروف به «زنانه» ترسیم می‌شوند، صفات «زنانه‌ای» که گویا مردان فاقد آن‌ها هستند.

کلیشه‌هایی که آشکارا بیان می‌شوند و کلیشه‌هایی که پنهان می‌مانند.

بررسی‌هایی که به درخواست یونسکو صورت گرفته‌اند، کلیشه‌های آشکار کتبی یا شفاهی را از کلیشه‌های نهفته و ضمنی متمایز می‌سازند. ساروجینی بیزار یا [5] در میان کلیشه‌های آشکار به برنامه‌های درسی اشاره می‌کند که میان رشته‌های «اساساً زنانه» و رشته‌های «اساساً مردانه» تمایز می‌گذارند. چنین کلیشه‌هایی دخترها و پسرها را از دستیابی به برابری امکانات در زمینه آموزش و پرورش محروم می‌سازند، زیرا که کودکان را از انتخاب رشته براساس گرایش‌ها و استعدادهایشان باز می‌دارند و تعیین رشته را بر مبنای کلیشه‌های تبعیض جنسی به آنان تحمیل می‌کنند.

علاوه بر این، در برنامه درسی، تعیین کارهای تکه چسبانی مقوا و پارچه برای دخترها و نجاری برای پسرها ناشی از یک کلیشه آشکارا تبعیض‌آمیز است، زیرا که این دوگانگی آموزشی، نوجوانان هر دو جنس